

معرفی کتاب خارجی

امر به معروف و نهی از منکر در متن مطالعه ای تطبیقی

○ محمد منصور هاشمی

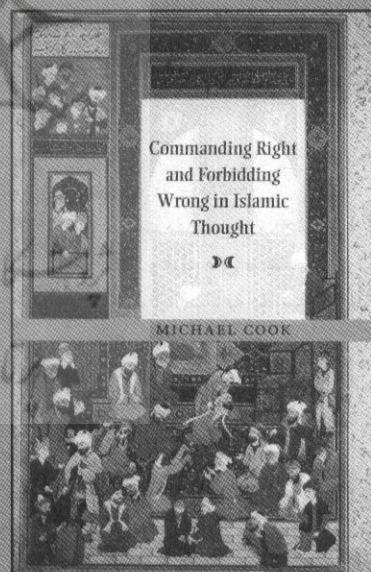
در عصر ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۸۸ در ایستگاه متروی شیکاگو تجاوزی صورت می‌گیرد. خبر ماجرا در نیویورک تایمز و شیکاگو تریبون بازتاب می‌یابد. این تجاوز در حضور مردمی که در ایستگاه بوده‌اند اتفاق افتاده است. آیا مردم نسبت به این امر بی‌اعتنا بوده‌اند و احساس نکرده‌اند باید تعدی و تجاوز را مانع شوند، یا اینکه متوجه موضوع نبوده‌اند یا... مایکل کوک، نویسنده کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، اثر خود را با بیان این ماجرای به ظاهر بی‌ربط شروع می‌کند و با شرح ادامه ماجرا می‌کوشد نشان دهد که آدمیان خود را در قبال این چنین مسائلی مسئول می‌دانند. مسئولیتی که هرچند همه به صرافت طبع درک می‌کنند اما نام خاصی در حوزه اخلاق برای آن در نظر گرفته نشده است. با این مقدمه نویسنده می‌گوید که در فرهنگ اسلامی برای این مقوله عنوان خاصی در نظر گرفته شده است: امر به معروف و نهی از منکر. براساس این نگرش و با چنین تمهیداتی است که کتاب از سطح مطالعه و تحقیق شرق‌شناسانه درباره آداب و رسوم ملل و فرهنگ‌های دیگر فراتر می‌رود و در حوزه مطالعات تطبیقی یا مقایسه‌ای علم اخلاق قرار می‌گیرد.

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی کتابی است جامع و مبسوط (در ۷۰۲ صفحه) که در سال ۲۰۰۰ در دانشگاه کمبریج منتشر شد و در سال ۲۰۰۲ به چاپ مجدد رسید. مؤلف اثر، مایکل کوک، استاد مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه پرینستون است که از جمله آثار پیشین او می‌توان به اینها اشاره کرد:

(1972). Population Pressure in Rural Anatolia, 1450-1600
Early Muslim Dogma (1981).

The koran: A very short Introduction (2000).

نویسنده که علاوه بر فضل تحقیق، ذوق تألیف نیز دارد و اثرش را بسیار جذاب نوشته است، ماجراهای تاریخی ناظر به امر به معروف و



- Commanding Right and forbidding wrong in Islamic Thought
- Michael cook
- Cambridge University press
- Reprinted 2002



در دست هست یا نه.

پس از این مباحث مقدماتی و از بخش دوم کتاب به بعد، نویسنده به طرح آرای مذاهب و فرقه‌های مختلف می‌پردازد و سیر این آرا را در طول تاریخ پی می‌گیرد و احیاناً به مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازد. نخستین مذهبی که نویسنده آن را بررسی می‌کند حنبلیه است و طبیعتاً نخستین فرد مورد مطالعه هم ابن حنبل. نویسنده مفهوم منکر را در آرای حنبلیان بررسی می‌کند و تاریخ تطور و تکامل این مفهوم را باز می‌گوید. او به فقدان اندیشه‌های اجتماعی و به ویژه حکومتی در نظریه‌پردازی‌های ابن حنبل در این باره توجه، و به ارتباط این امر با وضع اجتماعی و سیاسی آنها اشاره می‌کند. در فصول آتی او به تفصیل به بررسی آرای حنبلیان بغداد و دمشق درباره امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و جزئیاتی را که به مرور روشن‌تر شده‌اند (مثلاً اینکه چه کسی باید به این امر بپردازد و...) نشان داده است. در فصل مربوط به حنبلیان دمشق بخش عمده‌ای به نظریات ابن تیمیه (که رساله مختصری با عنوان الامر بالمعروف و نهی عن المنکر داشته است) اختصاص یافته و پیوند اندیشه‌های او در این باره با آرای او در حکومت و سیاست بیان شده است. پس از این نسبت اندیشه حنبلی را - که به واسطه حنبلیان نجد به وهابیت رسیده - با اندیشه وهابی نشان می‌دهد و ماجرای این اندیشه را تا تشکیل و تثبیت حکومت سعودی دنبال

نهی از منکر را شرح می‌دهد؛ از جمله ماجرای زرگری از مرو که حاکمی جائر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و در این راه جان می‌سپارد. نویسنده به درستی می‌گوید که این تنها مورد نیست و شواهد دیگری را نیز در پی آن ذکر می‌کند. در همه این ماجراها، افراد بر سر انجام امر به معروف و نهی از منکر حکام، جان می‌سپارند، اما در انجام آن درنگ نمی‌کنند و مردم نیز قدر این وظیفه‌شناسی را می‌دانند. امر به معروف و نهی از منکر ریشه در قرآن دارد (آل عمران: ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۴؛ الاعراف: ۱۵۷؛ التوبه: ۷۱، ۱۱۲؛ الحج: ۴۱؛ لقمان: ۱۷) و مؤلف نیز کتاب را با توجه به همین ریشه قرآنی، از قرآن و آیات ناظر به این معنی و آرای مفسران درباره آنها می‌نگارد و به تبیین اصطلاحات معروف و منکر می‌پردازد و نظر اهل تفسیر را در این زمینه بررسی می‌کند.

در بخش بعد تاریخ تکوین و تثبیت سیره و سنت و نسبت این مفاهیم با حکومت و خلافت و دفاع از خلوت و ساحت زندگی خصوصی اشخاص بررسی می‌شود. همچنین حدود جغرافیایی مکان‌هایی که در منابع مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده‌اند، مشخص و منع تجسس و لزوم علنی بودن منکر را متذکر می‌شود. همچنین مؤلف به این مسئله توجه می‌کند که چه کسانی امر به معروف و نهی از منکر می‌کرده‌اند و برای مثال آیا درباره نهی از منکر از جانب زنان نیز اطلاعی

می‌کند.

امامی به آن توجه می‌کند این است که براساس این آرا اگر نهی از منکر متضمن قهر و خشونت باشد، انجام آن مستلزم اجازه امام یا فرد منصوب از جانب اوست.

بحث بعدی درباره مبنای تکلیف امر به معروف و نهی از منکر است. آیا مبنای آن عقلی است یا سمعی؟ ظاهراً معتزله بغدادی‌تر به عقلی بودن این مبنا و معتزله بصره به سمعی بودن آن قائل بوده‌اند. به نظر می‌رسد شیعیان نیز - صرف نظر از استثناهایی چون شیخ طوسی و علامه حلی - به نظر دوم بیشتر تمایل داشته‌اند.

یکی دیگر از نکاتی که شیعیان مطرح کرده‌اند این است که معروف مراتب دارد، بعضی از مراتب آن واجب است و بعضی نه؛ اما منکر، منکر است و مراتب ندارد و تشکیکی نیست. ظاهراً نخستین بار سیدمرتضی این نکته را متذکر شده است و پس از او شیخ طوسی و ابن براج و ابن ابی‌المجد و ابوالفتح رازی و راوندی و ابن ادریس و خواجه نصیرالدین طوسی و محقق حلی و دیگران نیز آن را تکرار کرده‌اند.

بحث دیگری که در نظام فکری شیعیان امامی به تفصیل به آن پرداخته شده است این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای فردی است یا اجتماعی؟ آیا هر فرد مستقلاً باید آن را انجام دهد یا اگر یک نفر آن را انجام داد تکلیف از دیگران برداشته می‌شود؟ به اصطلاح آیا وجوب آن عینی است یا کفایی؟ غالب شیعیان امامی بر این نظر بوده‌اند که این وظیفه، وظیفه‌ای اجتماعی است و وجوب آن کفایی.

نویسنده پس از طرح مباحث فوق، آرای شیعیان را درباره شرایط تکلیف بررسی می‌کند که از آن جمله است: علم به منکر بودن عمل، علم به تلاوم آن، علم به اثر داشتن امر به معروف و نهی از منکر و علم به اینکه خطری برای امر به معروف و ناهی از منکر وجود ندارد و همچنین اینکه مفسده‌ای در پی ندارد. نویسنده سیر نظریات عالمان شیعه درباره هر یک از این نکات را در دوره‌های مختلف بررسی می‌کند. در ادامه این بخش، نویسنده به نحو اجمالی آرای اسماعیلیه را درباره امر به معروف و نهی از منکر طرح می‌کند.

در بخش بعد، آرای فرقه‌ها و مذاهب دیگر طرح می‌شود و آرای حنفیه (پیش از دوره حکومت عثمانی و در آن دوره) بیان می‌شود و به گفته نویسنده در میان کتب حنفیان هیچ رأی اصیل و منسجمی در این باره مشاهده نمی‌شود و آرایشان صیغه شاعفی دارد.

در پایان این بخش نظریات ابوبکر رازی معروف به جصاص (متوفی ۳۷۰) از این جهت که از آرای حنفیان دیگر متمایز بوده است، بررسی می‌شود. سپس آرای شافعیان (پیش و پس از غزالی) مالکیان (نظریه‌های متقدم و متأخر مالکی، و نیز میزان عمل آنها به این آرا در طول تاریخ) و اباضیه بیان می‌شود.

بخش بعدی کتاب به معتزله و شیعه اختصاص یافته است. نخست آرای معتزله بررسی می‌شود. نویسنده بحث را با این نکته آغاز می‌کند که اگر تمایل حنبلیان در اندیشه، ناظر به مباحث عینی و انضمامی بود، معتزله به مسائل انتزاعی و تحلیلی علاقه‌مند بودند، علاقه‌ای که به علت تعارض با فکر اسلامی برایشان گران تمام شد.

او بر مبنای روش تاریخی از آرای معتزله اولیه، واصل بن عطا و عمرو بن عبید، آغاز می‌کند و اهمیت نهی از منکر را در اندیشه معتزلی - که دست کم براساس آرای معتزله متأخر یکی از اصول خمسه است - بیان می‌کند و سپس به نظر مانکدیم، اشاره می‌کند و به تعریف‌های مختلف نهی از منکر و وجوب و شرایط آن (که از آن جمله است علم به احکام شرع، علم به وقوع منکر در حال حاضر، در پی نداشتن ضرر و مفسده بیشتر، اثر داشتن و آسیب و ضرر نداشتن برای شخص نهی‌کننده) و انواع منکر می‌پردازد. پس از نظر مانکدیم آرای معتزلیان دیگر را طرح می‌کند و نهایتاً یادآور می‌شود که معتزله سبک تحلیلی و آرای منسجم دارند و نظریاتشان در گذر زمان و در مکان‌های مختلف تقریباً یکسان و متجانس بوده است.

چند فصل بعدی درباره شیعیان است. در میان فرق شیعه آرای زیدیه و امامیه به تفصیل مطرح شده است. نویسنده در بیان علت این انتخاب می‌گوید که زیدیه و امامیه سنتی متداوم داشته‌اند و امروز نیز حضور دارند، علاوه بر این مجموعه عقایدی قابل قیاس با عقاید اهل سنت - از حیث حجم و اهمیت - به وجود آورده‌اند؛ حال آنکه برای مثال اسماعیلیان برخلاف دو فرقه پیش، ارتباط چندان نزدیکی با جریان اصلی تفکر اسلامی نداشته‌اند. نخست به زیدیه پرداخته می‌شود و پس از بیان اجمالی سیر تاریخی زیدیه و آرایشان، به همزیستی معتزله و زیدیه اشاره می‌شود و در این زمینه به آرای ابن مرتضی یمنی (متوفی ۸۴۰) عنایت می‌شود. سپس به فرایند دور شدن از سنت معتزلی و نزدیک شدن آرای زیدی به آرای اهل سنت درباره موضوع مورد بحث توجه می‌شود.

در فصل بعد آرای امامیه بررسی می‌شود. نویسنده می‌گوید امامیه نسبت به دیگر مذاهب و فرق - غنی‌ترین و ادامه‌دارترین سند و منبع نظریه نهی از منکر را فراهم آوردند که از قرن پنجم تا روزگار ما ادامه یافته است. او تاریخ نظریه‌پردازی شیعه در این باب را بررسی می‌کند و به ویژه به این نکته می‌پردازد که در نظام شیعی نهی از منکر سه جنبه دارد: نهی از منکر به قلب و لسان و ید (علی‌الغیبه ان ینکر المنکر قبله و لسانه ویده). اگر فردی امکان جلوگیری از منکری را به لحاظ عملی نداشت (یعنی با دست یا زبان) دست کم باید با قلب خود منکر از نهی کند (فان لم یقدر قبله). نکته دیگری که نویسنده در آرای شیعیان

بالاخره تفاوت‌ها و تمایزهای این عقاید را با آرای اسلامی در این زمینه بررسی می‌کند. در فصل آخر با اشاره به فرهنگ غربی و مباحثی نظیر نجات و رستگاری و نهی از منکر و ماهیت معروف و منکر، نتیجه‌گیری می‌شود.

کتاب ضمائم نیز دارد که بخشی درباره آیات و روایات مذکور در متن است و بخش جالب توجه دیگر درباره ابن عبری^۱ (متوفی ۱۲۸۶ م.) است که آثار سریانی بر مبنای فکر یعقوبی پدیدآورده و اسلام‌شناسان غالباً او را به عنوان مورخ می‌شناسند. اما اثری داشته است به نام اخلاق (Ethicon) که تحت تأثیر احیاء علوم‌الدین غزالی (متوفی ۵۰۵ هـ / ۱۱۱۱ م) بوده است.

اورت راوسن^۲ استاد دانشگاه پنسیلوانیا، فضل و تبحر مایکل کوک را حیرت‌آور و تحلیل‌هایش را منسجم و مستدل و غالباً خیره‌کننده دانسته است.

او این اثر را ضیافتی برای متخصصان می‌داند که برای غیرمتخصصان دربردارنده بصیرت‌های تازه «درباره دین اسلام و جوامع اسلامی است». رابرت ایروین^۳ نیز گفته است که گزارش کوک از چگونگی مواجهه متفکران مسلمان با بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی، چشم‌اندازی خیره‌کننده و غیرمعمول درباره تاریخ اجتماعی اسلام فراهم می‌آورد. این کتاب مبنای اساسی برای فهم وضع اسلام در دوره مدرن ایجاد می‌کند و یکی از مهم‌ترین آثار محققانه درباره اسلام است که در یکصد سال اخیر در غرب به وجود آمده است. شاید در نگاه اول این سخنان اغراق‌آمیز به نظر برسد، اما خواننده‌ای که از نثر فاضلانه و شیوه جذاب و تحقیق چشمگیر مؤلف بهره می‌گیرد، که مطالعات اسلامی و سیاسی را با هم جمع کرده است، این سخنان را غلوآمیز نخواهد یافت. کتاب کوک اثر فوق‌العاده‌ای است که مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را به متن مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای در حوزه اخلاق می‌برد و بیش از هر چیز، به ما می‌آموزد که چگونه باید فرهنگی دیگر را شناخت و از آن بهره گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

1. Comparative study of ethics
2. Society for the suppression of Vice and the Encouragement of Religion and Virtue.
3. recht gebieten und unrecht verbieten
4. Gregory Barhebraeus
5. Everett Rowson
6. Robert Irwin

نویسنده به جهت اهمیت فوق‌العاده ابوحامد غزالی فصل مستقلی را به او اختصاص داده و به تفصیل آرای او و میراث فکری وی را در این زمینه بررسی کرده است و در ادامه مطلب اشاره مختصری نیز به این مقوله در تصوف نموده است.

فصل بعدی، نگاهی دوباره به اسلام سنتی، در حقیقت نظری است به فصل‌های پیشین و مقایسه آرا و بررسی سیر تحولات و جمع‌بندی مطالب مطرح شده است. در این فصل نویسنده قصد ندارد از آرای مختلف درباره امر به معروف و نهی از منکر نمونه‌ای واحد بیرون بکشد، بلکه مضامین اصلی را که به نظر می‌رسد اهمیت خاص تاریخی دارند، جمع‌آوری می‌کند. این فصل به نحوی مطالب کتاب را از فصل‌های بعد جدا می‌کند، زیرا در فصل‌های بعدی اسلام در دنیای متجدد مطرح می‌شود نه اسلام سنتی.

بخش بعدی کتاب «فراسوی اسلام سنتی» نام دارد که در آن به وضع اسلام پس از برخورد با تجدد توجه می‌شود و مواجهه مسلمانان با اندیشه‌های نوگرایی غرب و تأثیر و تأثرات آن بررسی می‌شود. این به قول نویسنده رشد یا بسط (developments) اسلام در ایام متأخر، در دو بخش جداگانه مربوط به اهل سنت و شیعیان امامی، طرح و بررسی می‌شود و سیر مباحث ناظر به امر به معروف و نهی از منکر تا آرای کسانی از قبیل امام خمینی(ره)، مرتضی مطهری، محمدباقر حکیم، حسینعلی منتظری، علی شریعتی و مهدی بازرگان پی گرفته می‌شود و سپس آرای علمای اهل سنت و شیعه در دوره متأخر درباره موضوع بحث با یکدیگر مقایسه می‌گردد.

فصل بعدی کتاب با عنوان «سرچشمه‌ها و مطابقت‌ها» تلاشی جالب توجه برای یافتن قرینه‌های مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ‌های دیگر است؛ چرا که به قول نویسنده تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر» هرچند در جهان اسلام برجستگی خاصی دارد، بدون قرینه‌هایی در فرهنگ‌های دیگر نبوده است. برای مثال در انگلستان در سال ۱۸۰۱ ایجاد «انجمن جلوگیری از فسق و تشویق به دینداری و تقوا»^۴ پیشنهاد می‌شود؛ یا در یک سند حقوقی آلمانی بازمانده از سال ۱۶۱۶ م. برای راهنمایی قاضی دادگاه عبارت «امر به حق و نهی از ناحق»^۵ به چشم می‌خورد. پس این مفهوم به بیان‌های دیگر در فرهنگ‌های دیگر وجود دارد و سابقه‌ای کهن برای آن می‌توان یافت. نویسنده در تلاش برای بررسی این سابقه به طرح چنین مباحثی در یونان باستان و دوره جاهلیت در عربستان توجه می‌کند و به قرینه‌های این بحث در ادیان توحیدی (یهودیت و مسیحیت و در مورد اخیر به ویژه با عنایت به آرای توماس آکویناس^۶) و غیر توحیدی (هند و چین باستان، و به ویژه نظام کنفوسیوسی، ایران باستان، و نظام زردشتی) می‌پردازد و